



Examining the "Tafsir Mesdaghi" statement of the proposition "Amr Marij" in the fifth verse of Surah "Qaf" from the view of Shia commentators

seyed abdollah esfahani ^{a*}

^a Assistant Professor, Tafsir and Qur'anic Sciences, Amol Faculty of Qur'anic Sciences, University of Noble Qur'anic Sciences and Education, Amol, Iran

KEYWORDS

Tafsir of example
Surah "Qaf",
amr Marij,
Shia commentators

Received: 14 May 2022;
Accepted: 12 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.28212754.1401.1.1.5.1

ABSTRACT

The fifth verse of Surah "Qaf" has paid attention to the mistake of the disbelievers who claimed that the verses of the Qur'an do not have a revealed origin. This thought of the infidels, which is the result of their scientific ignorance, is not specific to the era of primitive and ancient human life. rather, there have always been such things in human life. For this reason, it seems very necessary to study and investigate the behavior of unbelievers, which is mentioned in the statement "amr Marij". The most important part of this verse is this proposition, which Quranic researchers agree with each other regarding the interpretation of its meaning, but the interpretation of its example has been discussed in general and less attention has been paid. The main question of this research, which is written in a fundamental descriptive-analytical method, is what is the "example interpretation" of this proposition from the point of view of the great Shia commentators, after expressing the "conceptual interpretation" of this proposition. The result obtained from this research leads us to many examples for this proposition, which are: 1. When any doubting about a truth or certainty or suspicion contrary to that truth is not obtained by a scientific and methodical way. 2. False intellectual comparisons, estehsan, fallacies, superstitious thoughts, ignorant imitations. 3. Paying extreme attention to thoughts that can have different interpretations and meanings 4. Interpreting the Qur'an, hadiths and wisdom according to personal opinion. 5. Any kind of unrealistic interpretation that is not compatible with the realities of existence and the world. 6. Believing that our understanding of the truths of the world is relative and not absolute. 7. Any kind of struggle with the truth that causes chaos. 8. Thoughts and behaviors that originate from scientific ignorance and selfish ignorance. 9. Moving towards impure and mixed and perverted thoughts within the scope of Sharia. 10. Opposing the laws of the sages and the "sire motesharree" in understanding the truths of nature and Sharia.

* Corresponding author.

E-mail address: esfahaniquran@gmail.com

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





جستاری بر «تفسیر مصداقی» گزاره «امر مریج» در آیه ۵ سوره «ق» از دیدگاه مفسران شیعه

سید عبدالله اصفهانی الف*

الف استادیار، تفسیر و علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی، آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
آیه ۵ سوره «ق» با وجود اشتغال بر رویکرد کافران در «تکذیب حقایق و حیانی» برخاسته از جهل علمی یا جهالت نفسانی آنان، اختصاص به عصر انحطاط علمی بشر ندارد، بلکه همواره مصادیق سیالی در طول حیات بشر می‌جوید. از این رو، پژوهش در ساختار معرفتی و رفتارشناسی کافران که در گزاره «امر مریج» منعکس شده، از ضرورت بهره‌مند است. نقطه عطف آیه، گزاره فوق است که علی‌رغم توافقی که قرآن پژوهان در «تفسیر مفهومی» آن دارند، لیکن «تفسیر مصداقی» آن به اجمال واگذار شده و عمدتاً مغفول مانده است. پرسش اساسی پژوهش حاضر که به روش بنیادین، توصیفی، تحلیلی نگارش شده است، چیست «تفسیر مصداقی» گزاره فوق، پس از تبیین «تفسیر مفهومی» آن از دیدگاه مفسران بزرگ شیعه است. دستاورد این پژوهش ایصال به مصادیق متنوعی است که اهم آن عبارتست از: ۱- هرگونه شک به حقایق، ظن و جزم به خلاف که محصول برخورد روشمند و منطقی نباشد. ۲- قیاس‌های ناقص عقلی، استحسانات، مغالطات، اندیشه‌های خرافی، تقلیدگرایی مطلق ۳- گرایش مطلق به اندیشه‌های ذی‌وجوه و تفسیر پذیر ۴- هرگونه تفسیر و تاویل به رای در قرآن، روایت و عقل ۵- هرگونه تفسیر غیر منطقی از واقعیات علمی هستی‌شناسی ۶- اعتقاد به شکاکیت و نسبیت معرفت ۷- هرگونه حق‌ستیزی که زمینه‌ساز آشفستگی روحی، رفتاری و گفتاری است. ۸- اندیشه‌ها و رفتارهای برخاسته از جهل علمی یا جهالت نفسانی ۹- گرایش به اندیشه‌های انحرافی و التقاطی در حوزه شریعت ۱۰- مخالفت با بنای عقلا و سیره متشرعه در فهم طبیعت و شریعت	تفسیر مصداقی سوره ق ، امر مریج، مفسران شیعه تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

«تفسیر مصداقی» در برابر «تفسیر مفهومی» و به عنوان یکی از ویژگی‌های تفسیر معصومان (ع)، همواره در راستای اجمال زدایی از آیات، تبیین مصداق دقیق آیات و کمک به فهم درست‌تر قرآن و مماشات و همدلی با سطح درک مخاطبان، مورد عنایت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بوده است. به طوری که بخش عظیمی از تفاسیر آن بزرگواران، تبیین مصداق قرآن محسوب می‌شود. پیشینه‌شناسی تفسیر مصداقی آیات نشانگر آن است که کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوانی در زمینه تفسیر مصداقی آیات، اهمیت و نقش آن، تفسیر مصداقی در روایات تفسیری معصومان (ع) و جایگاه جری و تطبیق (به عنوان نوعی تفسیر مصداقی) در روش‌های تفسیری و... نگاشته شده است. در تفاسیر و منابع حدیثی شیعه و سنی، روایات فراوانی در قالب «تفسیر مصداقی» آیات قرآن مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۴۵)، تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۶)، تفسیر تبیان (شیخ طوسی، بی تا

ج ۴، ص ۲۰۴)، اصول کافی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۲، ح ۱)، مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۵۴)، بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۶، ص ۱۱۶، ح ۳)، توحید (شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۲۵، ح ۲۹)، امالی شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۳۸۸، ص ۴۳۰، ح ۹۶۰)، تحف العقول (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰)، جامع الاخبار (ص ۲۸۸، ح ۷۷۵)، تفسیر طبری (طبری، ۴۱۲، ج ۲، ص ۳۷)، تفسیر الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۰۸)، صحیح بخاری (بخاری، ۱۹۱۷، م ۳، ج ۳، ص ۱۲۶۲، ح ۳۲۴۶)، صحیح مسلم (مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۱۹۷)، صحیح ترمذی (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۲۶۲، ح ۳۰۶۴) و ... چنانچه مقالاتی هم چون: آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان (ع)، تألیف علی اکبر رستمی؛ شناخت نامه قرآن، در چهار جلد از محمد محمدی ری شهری؛ روش شناسی اهل بیت (ع) در تفسیر، تأویل و تطبیق قرآن، از حسین تقوی دهاقانی؛ روش های اختصاصی اهل بیت (ع) در تفسیر مفردات قرآن، از حسن اصغریور و همکاران؛ تحقیق معنا و مصداق در تفسیر و تطبیق قرآن از نگاه علامه طباطبایی، تألیف محمد حسن ابراهیمی؛ گونه های روایات تفسیری امام سجاد (ع) در حوزه تعیین مصداق، از سهیلا جلالی کندی و عذرا میثاقی؛ تفسیر تطبیقی مصداق «أولوا الأمر»، از قاسم سجادی؛ جایگاه روایات جری و تطبیق در فرآیند تفسیر قرآن، از مصطفی سلیمی و ...، با رویکردهای متفاوت، به نحوی به تفسیر مصداقی پرداخته شده است. در این تالیفات، بیان نمونه هایی از تفسیر مصداقی معصومان (ع)؛ نگاه جامع به روایات تفسیری ایشان؛ بیان جایگاه قرآن در کلام معصومان (ع) و یا تفسیر مصداقی آیه خاصی مانند آیه طاعت و ... رویکرد اصلی نویسندگان را به خود اختصاص داده است.

پرسش اصلی مقاله حاضر پس از تبیین تفسیر مفهومی آیه ۵ سوره «ق» و گزاره «امر مریح» از دیدگاه بزرگترین مفسران شیعه، تشریح تفسیر مصداقی گزاره فوق می باشد. پژوهش نگارنده که به روش توصیفی، تحلیلی و بنیادین نگارش یافته نشانگر آن است که مسئله فوق نوآورانه است و تاکنون اکثریت قریب به اتفاق مفسران و قرآن پژوهان شیعه به تفسیر مفهومی گزاره فوق پرداخته و تفسیر مصداقی آن به اجمال واگذار شده یا عمدتاً مغفول مانده است. از سویی دیگر نظر به دیدگاه خاص کلامی شیعه در خصوص معیارهای قیاس معتبر، ظن معتبر و مردود و استحسانات عقلی صرف و برخی از مبانی تفسیر به رای مفسران شیعه که در تفسیر مصداقی گزاره امر مریح نقش آفرین است، پژوهش با محوریت «دیدگاه مفسران شیعه»، نوعی خلا معرفتی تلقی شده و از ضرورت و ابرام برخوردار است.

۲. مفهوم شناسی «مفهوم» و «مصداق»

مفهوم به لحاظ لغوی اسم مفعول است و در اصطلاح به هر صورتی که در ذهن نقش می بندد و از یک حقیقت حکاست می کند اطلاق می شود. به عبارت دیگر هر تصویری را به لحاظ محتویات آن، یعنی معانی که در آن تصور مندرج است و اجزای عقلی آن تصور، «مفهوم» می نامند. به عنوان نمونه، مفهوم انسان عبارت است از مجموعه تصورات: جوهر، سه بعدی، نامی، حساس و ناطق که در اجزای عقلی آن مندرج می باشد. «مفهوم» همان «معنی» است که در قالب تصور در ذهن ما نقش می بندد و مفهوم به نوبه خود می تواند جزئی یا کلی باشد. اما «مصداق» عبارت است از چیزی که مفهوم به لحاظ وسعت یا ضیق بر آن منطبق شده و بر آن حمل می شود. به عنوان نمونه حسن و حسین، مصداقی برای مفهوم انسان هستند. مفاهیم ممکن است بدون مصداق خارجی باشند مانند مفهوم شریک الباری، و یا مشتمل بر مصداق

عینی خارجی یعنی افراد و اشخاص و یا مفاهیم کلی که تحت مفاهیم کلی تر مفهومی منطوبی اند مانند مفهوم انسان که مصداقی از مفهوم حیوان است. (خوانساری، ۱۳۷۴، ۷۹/۱)

در علم منطق و اصول فقه از مفهوم، معنا، موضوع له و مصداق و رابطه علمی آنها با یکدیگر بحث می شود. واژه های مفهوم، معنا، محکی، وجود ذهنی، علم و معلوم بالذات در علوم حصولی، همه به حقیقت واحدی با لحاظهای متعدد اشاره دارند که جایگاه آن در ذهن است. مصداق نیز حقیقت خارجی است. دلالت مفهوم بر معنا دلالت حاکی بر محکی، امری ضروری و طبیعی است و هر تصور یا تصدیقی، چه صادق باشد یا کاذب، از معنای خود، بالذات حکایت می کند. مفهوم «سیاه» فقط بر «سیاه بودن» دلالت دارد، نه بر چیز دیگری و هرگز «قرمز» نمی تواند حاکی از تصور سیاهی یا سفیدی باشد. همچنین اگر ممن تصور کنم که «دو ضرب در دو مساوی پنج است»، محکی و مدلول این گزاره نیز «دو ضرب در دو مساوی پنج است» خواهد بود، نه «دو ضرب در دو مساوی چهار است». رابطه مفهوم و معنا، رابطه تنگاتنگی است و معنا بدون مفهوم، معنا نیست، چنانچه مفهوم بدون معنا، مفهوم نخواهد بود. (ساجدی، ۱۳۹۲، ص ۴۳-۴۴)

«معنا» یا محکی یا معلوم بالذات همان صورت ذهنی است که از اشیا در ذهن ایجاد می شود، بدون در نظر گرفتن قید ذهنیت (=ماهیت لابشرط ذهنی، بدون در نظر گرفتن وجود ذهنی و وجود خارجی). «مفهوم»، یا حاکی، همان صورت ذهنی است با قید لحاظ وجود ذهنی. «مصداق» همان وجود خارجی یا معلوم بالعرض است. این حکایتگری برای فرد آشنا به زبان و وضع حاصل می شود. حکایتگری گاه از امور واقعی است و گاه از امور اعتباری و در هر دو مورد، گاه حکایتگری از محکی به نحو مستقیم (یا حقیقی) است و گاه غیر مستقیم (مجازی، کنایی، استعاری و مانند آن)، و در هر دو مورد گاه مطابق امور متصور (صادق) و گاه غیرمطابق با آن (کاذب) است. «معنا»، همان «مفهوم» است که ما جنبه ذهنی بودن و حاکی بودن آن را لحاظ نمی کنیم. واقعیت و تصور ذهنی که در ذهن داریم، اگر به وسیله آن به بیرون نظر کنیم یعنی «بینظر به» شد، «مفهوم» نام دارد و اگر به خودش نظر کنیم یعنی «بینظر فیه» شد، «معنا» می شود. در مفهوم انسان، قید ذهنی بودن لحاظ می شود و در مصداق انسان، قید خارجی بودن لحاظ می شود، ولی می توان «انسان» را خالی از دو قید ذهنی (و حاکی بودن) و خارجی بودن نیز لحاظ کرد، که در این صورت آن را «معنا» می نامند. (همان، ص ۴۵-۴۷؛ التهانوی، ۱۳۱۷، ج ۱، ص ۷۴؛ نائینی، ۱۳۶۸، ش ۱، ج ۱، ص ۱۳؛ العماری، ۱۴۰۲، ق، ص ۳۷)

«تعریف مفهومی» یا تحلیلی در حیطة ذهن است که در آن با بیانی واضح، جامع افراد، مانع اغیار و برکنار از دور، و با تبیین مفاهیم عام تر و سپس خاص تر به تحلیل محتویات عقلی مفهوم می پردازیم. اما «تعریف مصداقی» تعریفی که به سه روش امکان پذیر است: اول؛ نشان دادن مصداق با نمونه خارجی، دوم؛ نمایش تصویر، عکس و یا ... از مفهوم مجهول، سوم؛ نام بردن انواع یا مصداق مفهوم مجهول. در این نوع تعریف تلاش می شود با بیان موارد، نمونه ها، تصاویر و ... ذهن مخاطب را متوجه معنا و مفهوم مجهول نموده و از خلط مفهومی بیرون آوریم. (جلالی تهرانی، ۱۴۰۱، ص ۸۳)

واضح بودن مفهوم و ابهام و اجمال آن، امری نسبی است و به میزان توانایی علمی، مهارت معرف، دقت عقلی تعریف و معلومات مخاطب بستگی دارد. از این رو در تعریف مفاهیم، معرف باید از صلاحیت و قدرت علمی لازم برخوردار باشد و در تعریف نیز باید از هرگونه استعاره، ابهام، ابهام، کنایه و کلمات نامأنوس اجتناب شود.

لازم به یادآوری است: از آنجا که بسیاری از مفاهیم به لحاظ منطقی در بیان وضوح مفهومی، دچار نوعی از اجمال، ابهام، مفاهیم پنهانی و ضمنی و مفاهیم التزامی مبهم، چند پهلو و تفسیر پذیری اند، لذا غالباً ارائه تعریف ترکیبی از

مفاهیم و مصادیق موجب معرفی بهتر و عمیق تر حقایق و واقعیت می شود.

۳. مفهوم شناسی تفسیر مفهومی و مصداقی و تمایز آن دو

قرآن پژوهان حدود بیست گونه روش تفسیری کنکاش نموده اند، که روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر لفظی، تفسیر عقلی، تفسیر اشاری، تفسیر تاریخی، تفسیر فقهی، تفسیر عقلی و تجربی، تفسیر تمثیلی و... نمونه هایی از آنهاست، چنانچه از آن میان می توان به دو روش «تفسیر مفهومی» و «تفسیر مصداقی» اشاره نمود (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱ ش، ج ۴، ص ۱۲۱-۲۴۳).

«تفسیر مفهومی» به معنای بیان معنای استعمالی (یا دلالت تصویری) و مراد جدی (یا دلالت تصدیقی) الفاظ، عبارات و گزاره های قرآنی بر اساس قواعد ادبیات عرب، اصول عقلایی محاوره ایی و منابع و مستندات معتبر تفسیری است که در آن حدود و ثغور مفهومی و تصورات تصدیقات واژگان به عبارات قرآنی تشریح می شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۸ و ص ۳۱۴-۳۱۲ و ص ۳۱۶-۳۱۸) به عنوان نمونه: امام علی (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ كَيْفَ لَيْكُنْ كَذَلِكَ وَ اللَّهُ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ «أَنْمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كَمَا تَطَهَّرُوا»؟ فَقَدْ طَهَّرَنَا اللَّهُ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ، فَنَحْنُ عَلَى مَنَهَاجِ الْحَقِّ»: خداوند ما اهل بیت را برتری بخشیده است و چرا چنین نباشد، در حالی که خداوند در کتابش می فرماید: جز این نیست که خدا می خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزدايد و شما را كاملا پاکیزه گرداند؟ او ما را از انواع فساد و فحشا، چه آشکارش و چه نهانش، پاک گردانیده است؛ بنابراین، ما در شاهراه حق هستیم. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۳، ح ۴: استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۵۸، ح ۲۲)

«تفسیر مصداقی» تفسیری است که در آن، افراد، مصادیق و وجود خارجی آیه شریفه با در نظر گرفتن عبارت یا واژگان عام موجود در آیه (که قابلیت انطباق بر موارد مشابه دیگر را دارد) و با عنایت به سیاق آیه، بیان شده است. بنابراین، این شیوه تفسیری با خارج ساختن عبارات و واژگان فراگیر برخی آیات از حالت مفهومی کلی و ابهام زدایی از آنها و با مشخص نمودن واقعیات هستی، عینی، خارجی، حوادث اقوام و انسان های مشخص، به ازای آنها شکل می گیرد. (دلبری، ۱۳۹۱، ۷۸) به عنوان نمونه امام صادق (ع) فرمود: «كَانَ فِيْمَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهٖ (ص) أَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ، قَالَ: السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۲) از جمله خطاب هایی که خداوند متعال به پیامبرش (ص) نمود، این بود که فرمود: «ای محمد! همانا تو بر خُلُقِ عَظِيمِ هستی»، یعنی بخشنده گی و خوش خویی». چنانچه فضیل بن یسار می گوید از امام باقر (ع) درباره این سخن خداوند: «و من احیایا فکأنما احیا الناس جمیعا» (و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است) پرسیدم، فرمود: «من حرق او غرق قلت: فمن اخرجها من ضلال الی هدی؟ قال ذاک تاویلها الاعظم» یعنی «کسی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد؛ گفتم کسی که او را از گمراهی به راه راست آورد چه؟ فرمود: این تاویل عالی قرآن است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰، ح ۵۷)؛ همچنین در روایتی راوی می گوید به مدینه رفتیم و از امام باقر (ع) در مورد این سخن خداوند در آیه ۳۹ سوره رعد: «یَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ» (خدا آنچه را بخواهد، محو می کند یا باقی میگذارد و البته اصل کتاب نزد اوست)

سوال کردم، فرمود بله پدرم از جدش علی بن ابی طالب نقل می کند که همین سوال را از پیامبر خدا (ص) پرسیده است و ایشان فرمودند: «الصدقه علی وجهها، اصطناع المعروف، و بز الوالدین و صله الرحم، تحول الشقاء سعاده و تزید فی العمر، و تقی مصارع السوء» (صدقه دادن در راه درست آن نیکو کاری، خوش رفتاری با پدر و مادر و صله رحم، بدبختی را به خوش بختی تبدیل می کند و بر عمر می افزاید و از مردن های بد نگاه می دارد) (احمد العینی، ۱۹۹۵، ج ۱۱، ص ۱۸۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ق ۲، ج ۲، ص ۴۴۲، ح ۴۴۵۰)

تفسیر معصومان (ع)، افزون بر کاربست روش های مشترک تفسیری، از روش های علمی اختصاصی و منحصر به فرد در تشریح مراد الهی و تبیین واژگان قرآنی بهره جسته اند. برخی از شیوه های تفسیری اختصاصی آن بزرگواران که ارتباط بیشتری با تفسیر مصداقی دارد، عبارت اند از: بیان معنا با مصداق حقیقی عبارت یا واژگان؛ توسعه یا محدودسازی دایره معنایی؛ تصویرسازی برای مخاطب (یا روش تفسیر تجسمی)؛ بیان مفهوم غایی یا کارکرد عبارت و واژه.

یادکرد دو مطلب ضرورت دارد، اولاً: مراد ما از «مصداق» چه در تفسیر مصداقی و چه جری و تطبیق، لزوماً وجود عینی خارجی (اشخاص و پدیده های خارجی)، در مقابل وجود ذهنی نیست، بلکه افزون بر آن شامل مفاهیم کلی است که تحت مفاهیم کلی تری قرار می گیرند، نیز می باشد. به عنوان نمونه انطباق عبارت «یا ایها الذین آمنوا» بر معصومان (ع) در روایت امام رضا (ع) که فرموده اند: «در حق ما نازل شده (إلّا فی حقنا)» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق ۱، ج ۲۷، ص ۳۳۳) از قبیل انطباق بر وجود خارجی است؛ اما انطباق آیات جهاد بر «جهاد با نفس» از قسم انطباق یک مفهوم کلی تر، بر مفهوم کلی ذیل خود است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق: ج ۳، ص ۱۷۲). ثانیاً: منظور از توسعه مفهومی آیه از طریق الغای خصوصیت و تنقیح مناط آن است که نخست آیه را از قیود زمانی، مکانی و ... الغا می کنیم و هدف آیه را بدست می آوریم، سپس قاعده کلی، عام، جاودانه، همه زمانه و همه مکانه از آن استخراج می کنیم و آنگاه آن را در مصادیق و شرایط جدید حمل می کنیم. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴۷)

۴. ضرورت تفسیر مصداقی قرآن

پس از مفهوم شناسی تفسیر مفهومی و مصداقی و بیان تمایز آن دو، با لحاظ رعایت ترتب علمی مطالب در ذیل به تشریح ضرورت تفسیر مصداقی قرآن می پردازیم:

دلالت های برون زبانی و مصادیق عینی خارجی در فهم دقیق معنا تأثیری آشکار و نقشی انکارناپذیر دارند. به طوری که زبان شناسان معناشناسی را به دو گونه: «متکی به نظام معنایی زبان و دلالت های مفهومی» و «مبتنی بر تجربیات جهان خارج و دلالت های مصداقی» تقسیم نموده اند. مفاهیم به مجموع صفاتی که در ذهن بیشتر افراد جامعه شکل می گیرد اطلاق می شد. از این ور غالباً از نوع اجمال مفهومی برخوردارند و یا به صفاتی که داخل در حد یک شیء است (صفات و ویژگی های ضمنی) و یا صفاتی که لازمه معنایی آن است (مفهوم التزامی پنهان و ضمنی) گفته می شود، لذا در بسیاری از موارد از فرازو نشیب ها و ابهاماتی متألّم می شود و مخاطبان در تشخیص مصداق واقعی و دقیق مفاهیم، دچار نادانستگی با غفلت می شوند. اهمیت و جایگاه «مصداق» در معناشناسی را تا آن جا دانسته اند که گاهی معنا، به طور کامل و جامع با دلالت مصداقی مطابقت ندارد، لیکن این مصداق است که به «مفاهیم» شکل می دهد (صفری، ۱۳۸۷، ش: ۶۸۰۶۲). از این رو، علی رغم بی توجهی که برخی مفسران به نقش «مصداق» در مباحث نظری و معناشناسی عبارات و واژه ها دارند، هر از گاه ناگزیر به «ارجاع به مصداق» هستند. به طوری که ذکر مصداق با توجه به انس بیشتر

اذهان بشری با مصادیق عینی خارجی و یا حداقل مفاهیم جزئی تر دارد و شناخت بهتری که در مصادیق عینی و مفاهیم جزئی تر به وجود می‌آورد، اولاً دست‌یابی به مفاهیم انتزاعی را ساده‌تر و از این طریق به طور غیر مستقیم به فهم درست‌تر و دقیق‌تر معنا و تعمیق معنای ظاهر آیه مدد می‌رساند؛ ثانیاً تفسیر مصداقی به ویژه در روایات معصومان (ع)، غالباً با در نظر گرفتن سطح فهم مخاطبان تبیین می‌شود و از این طریق نیز به درک مفاد عبارت و واژگان آیه کمک می‌کند؛ ثالثاً یکی از شیوه‌های پویاسازی، جاودانگی و ابقای رسالت اصلی قرآن محسوب می‌شود (ر.ک: جلالی، ۱۳۹۰ ش: ۵۱). به همین دلیل علی‌رغم تفاوتی که بین «تفسیر مصداقی» و «جری و تطبیق» وجود دارد، که هر دو، به نحوی مصداق‌اند، ولی دومی، صرفاً مصداق عرفی عبارات یا واژگان عام آیه، بدون نظر گرفتن سیاق آیه از طریق الغای خصوصیات زمانی، مکانی و مفهومی از آیه، تنقیح مناظر و توسعه مفهومی آیه محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، جری آیات، انطباق ظاهر قرآن (واژگان، گزاره‌ها یا جملات) است، که مفهومی عام، کلی یا مطلق دارند بر مصادیق جدیدی که در طول اعصار، نسل‌ها، مکانها و شرایط جدید پدید می‌آید و در این مورد تفاوتی ندارد که آیه (واژه، گزاره یا جمله) قبلاً در مورد شخص یا واقعه‌ای نازل شده باشد یا نه؛ در حالی که اولی در صدد ذکر مصداق لفظ عام آیه با در نظر گرفتن سیاق آیه است؛ لیکن برخی قرآن‌پژوهان «جری» را به دلیل ابهام‌زدایی مفهومی از طریق تعیین مصداق، نوعی «تفسیر» به شمار آورده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۴۰۴/۱؛ سلیمی زارع، ۱۳۹۴ ش: ۱۳۱-۱۳۲).

«تفسیر مصداقی» در قبال «تفسیر مفهومی» در زمره یکی از گونه‌های بیست‌گانه روش‌های تفسیری است که توسط مفسران و قرآن‌پژوهان پژوهش شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱ - ۲۴۳). در تفسیر مصداقی، مصداق و وجود خارجی آیه شریفه، با در نظر گرفتن جملات، گزاره‌ها و واژگان عام موجود در آیه (که قابلیت انطباق بر موارد مشابه را دارد) و سیاق آیه، تبیین می‌شود. در این شیوه تفسیری با خروج عبارات، جملات، گزاره‌ها و لغات آیه از حالت کلی و ابهام‌زدایی از آنها و بیان واقعیت عینی و خارجی حوادث اقوام و انسان‌های مشخص، به تشریح مراد آیه مبادرت می‌شود. به عنوان نمونه؛ امام باقر (ع) در تفسیر مصداقی آیه ۴۳ سوره رعد «قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب»: بگو خدا کافی است و آن کسی که نزد او علم کتاب است. فرمودند: «ایانا عنی، علی اولنا و افضلنا و خیرنا بعد النبی (ص): مقصود ما هستیم و در راس ما، علی (ع) است که پس از پیامبر (ص) برترین و بهترین ماست. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۶)

در سنن تفسیری معصومان (ع) افزون بر به کارگیری روش‌های مشترک تفسیری مانند: روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر نقلی، عقلی، لفظی، تاریخی و... از شیوه‌های اختصاصی آن بزرگواران که ارتباط بیشتری با تفسیر مصداقی دارد، نیز استفاده شده است. از قبیل: بیان معنا با مصداق حقیقی عبارت یا واژه‌ها؛ توسعه یا محدودسازی دایره معنا، تصویرسازی برای مخاطب (=روش تفسیر تجسیمی)؛ بیان مفهوم غایی یا کارکرد در عبارت و لغات.

معناشناسی به دو گونه: «متکی به نظام معنایی زبان و دلالت‌های مفهومی» و «مبتنی بر تجربیات جهان خارج و دلالت مصداقی» تقسیم می‌شود. کنش‌های دلالت‌های برون‌زبانی بر فهم معنا، قابل انکار نیست. به طوری که مفاد «معنا» به طور کامل با دلالت‌های مصداقی، قابل دستیابی است. از این رو پژوهش در مصداق جملات، گزاره‌ها و واژگان قرآن کریم، لازمه توسعه و تعمیق معنا است و حتی در تبیین حدود و ثغور «معنا» نقش آفرینی می‌نماید (صفری، ۱۳۸۷، ص ۶۲ و ۶۸).

ذکر مصداق مفاهیم، با عنایت به انس بیشتری که ذهن انسان‌ها با مصداق عینی خارجی و مفاهیم جزئی‌تر دارد و به واسطه آنها، شناخت روشن‌تر و واضح‌تری در ذهن منعکس می‌شود، اولاً دستیابی به مفاهیم انتزاعی و ساده‌تر می‌نماید و از این طریق به طور غیرمستقیم به فهم دقیق‌تر و صحیح‌تر معنا و تعمیق معنای ظاهری آیه مدد می‌رساند، ثانیاً نقش ابهام‌زدایی از ماهیت مفاهیم را نیز ایفا می‌نماید. (جلالی و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۳)

از این رو، به رغم کم‌توجهی که برخی مفسران به نقش «مصداق» در مباحث نظری و مفهوم‌شناسی عبارات و واژه‌ها دارند، لیکن همواره هر از گاه ناچار به «مصداق پژوهی» آیه هستند. یادکرد دو نکته ضروری است که اولاً هرچند «تفسیر مصداقی» و «جری آیه» هر دو به نحوی، مصداق شمرده می‌شود، ولی دومی از طریق تنقیح مناط و القا خصوصیت زمانی و مکانی، از آیه استخراج و بر سایر موارد تسری داده می‌شود (سلیمی زارع، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۳۱ - ۱۳۲)، ثانیاً برخی از قرآن پژوهان «جری» به دلیل ابهام‌زدایی از راه تعیین مصداق، نوعی «تفسیر» دانسته‌اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۰۴)

در پایان و مستند به بیان فوق‌الذکر، ضرورت، اهمیت و نقش مصداق‌کاوی در «معناشناسی» و «تفسیر مصداقی قرآن» بر اندیشه‌ورزان دینی و قرآن‌پژوهان پوشیده نخواهد بود.

۵. تفسیر مفهومی گزاره «امر مریج» در آیه ۵ سوره «ق»

مفسران شیعه هدف سوره ق را دعوت به اسلام و برخی از محتوای این دعوت یعنی اعتقاد به رستاخیز دانسته‌اند. در این راستا در سوره فوق به دو شبهه مشرکان عرب یعنی استعجاب از اینکه پیامبر انذار کننده، فرشته نیست، بلکه از جنس خود آن‌هاست؛ و شبهه استبعاد رستاخیز و زنده شدن دوباره انسان‌ها، پاسخ داده شده است. (طباطبایی، ۱۳۵۹، ج ۳۶، ص ۲۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۲۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۸). آیه پنجم سوره قاف در پاسخ به ایراد دوم مشرکان عرب است و می‌فرماید: «بل کذبوا بالحق لما جاءهم فهم فی امر مریج»: آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد (آگاهانه و نه به دلیل قصور در تشخیص حق و جاهل محقق بودن) تکذیب کردند (و چون دلیل روان‌شناختی انکار آنان، عناد و دشمنی با حق و تکذیب آن است لذا) پیوسته در کار خود (انکار وحی، نبوت و معاد) متحیر، گرفتار تناقض و امور مختلط‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۹، ج ۶، ص ۲۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ج ۲۲، ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

واژه «مریج» از ماده «مرج» است و اصل «مرج» به معنای «خلط» (کار آشفته و سردرگم) است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۸). از این رو، مریج به معنای، مختلط، آشفته، مشوش، مشتبه، ضد و نقیض، متحیر، اندیشه باطل و بیهوده که منجر به بی‌ثباتی و آشفتگی در فکر و عمل شود، می‌باشد. (قرشی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۴۷؛ شریعت‌مداری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۷۳؛ محمد مخلوف، ۱۳۶۷، ص ۲۰۵). شیخ طوسی در تفسیر تبیان «امر مریج» را به معنای «مختلط ملتبس» دانسته و می‌نویسد: فهؤلاء الکفار حصلوا فی امر مختلط ملتبس من امر النبی (ص) فقالوا تاره هو مجنون و اخری هو کاهن و اخری هو شاعر فلم یثبتوا علی شیء واحد، فذلک کانوا فی امر مریج (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۵۸)؛ فیض کاشانی نیز «امر مریج» را به «رفتار مضطرب» معنی کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۵، ص ۵۸)، چنانچه مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل «فهم فی امر مریج» می‌نویسد: ای مختلط..... فتحیروا فی امرهم لجهلهم بحاله و لم یثبتوا علی امر واحد (طبرسی، ۱۳۷۲ ه ش، ج ۹، ص ۳۷۲)

هرج و مرج فکری و رفتاری مشرکان عرب، گاه در قالب تعجب‌پذیری مساله توحید و انکار آن بیان شده است، چنانچه

در آیه ۵ سوره ص می خوانیم: «اجعل الالهة الهيا واحدا ان هذا لشي عجاب» معبودان (متعدد) را معبود یگانه گردانیده است، قطعاً این چیزی بسیار شگفت انگیز است؛ و گاه در شکل «شی عجیب بودن پیامبری از جنس بشر» مطرح شده چنانچه در آیه دو سوره قاف می خوانیم: «بل عجبوا عن جاءهم منذر منهم»: آنها تعجب کرده اند که پیامبر اندازگری از میان خودشان (و نه از فرشتگان) آمده است؛ و زمانی به نحو «استبعاد رستاخیز» آمده است، چنانچه در آیه ۳ سوره ق می خوانیم: «اذا متنا و كنا ترابا ذلک رجع بعید»: آیا هنگامی که مردیم و خاک شدیم (دوباره زنده می شویم)، این بازگشتی بعید است؛ تبیین شده است.

مشرکان عرب ابتدا گرفتار شک و تردید شده (أنا لفی شک مما تدعوننا الیه؛ ۶۲ هود)؛ سپس درگیر ظن و گمان باطل، و آنگاه در دام تکذیب حقایق گرفتار آمده اند. به تعبیر دیگر روند روان شناختی مشرکان عرب از شک به حقیقت، منجر به ظن به خلاف و سپس جزم به خلاف و در نهایت به استحاله و تکذیب حقایق انجامیده است. قرآن کریم در پاسخ به این دو شبهه مشرکان و اساساً هر گونه کج اندیشی، تحیر، اختلاط حق و باطل؛ راه تفکر، تعقل و تدبر منطقی و روشمند را پیشنهاد می نماید (جوادی آملی، سایت <http://javadi.asra.ir> مورخ ۹۵/۹/۱۵) و منشاء شبهه آنان را به دو مشکل فاعلی یا قابلی باز می گرداند. به لحاظ مبداء فاعلی، خداوند علی کل شی قدیر است و قدرت نامتناهی دارد و اگر مشکل قابلی باشد، مشاهده می کنیم که هر روز موجودات پس از مرگ زنده می شوند، و خداوندی که «لامن شی» را زنده می کند، آنگاه که موجود و پراکنده شوند، می تواند آن ها را جمع کند (همان)

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه فوق می نویسد: مشرکان عرب در شک و تردید نیستند بلکه تکذیب حقیقت می کنند. آنان عقلی حرف می زنند ولی لفظی فکر می کنند. وقتی مطلبی عقلی باشد، نادر و غیر نادر فرق نمی کند، اصلاً معجزه، فرد نادر (و خرق عادت) است (که واقعیت دارد) و به آن تحدی می شود؛ بنابراین آنان بین استبعاد و استحاله فرق نمی گذارند. ایشان در ادامه «امر مریج» بودن مشرکان را به لحاظ «طوایف» می دانند (یعنی هر طایفه ای نوعی تفکر مشتبه و مضطرب دارد و یا به لحاظ «ازمنه» (که مشرکان گاهی پیامبر (ص) را شاعر و گاه کاهن و ... می دانند) و یا به لحاظ مراحل چندگانه استکباری، استنکاری، استحالی و استبعادی عبارت «الحق لما جاءهم» بیانگر اتمام حجت خداوند نسبت به کافران است و گزاره «فی امر مریج» با توجه به ظرفیت «فی» دلالت بر وقوع کفار در فضای روانی تحریف تناقض، و باورها، رفتارها و گفتارهای پراکنده و آشفته است (همان). ریشه هرگونه اضطراب، سردرگمی و آشفتگی فکری و رفتاری، کفر، انکار و تکذیب حقایق است و زیر ساخت هر گونه آرامش، ثبات روحی و استحکام فکری، عملی و گفتاری، اذعان به حقایق هستی ایمان به مبدا، یاد خداوند و اعتقاد به وحی و نبوت و رستاخیز است. (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۰۷)

۶. «تفسیر مصداقی» نوآورانه گزاره «امر مریج» در آیه ۵ سوره «ق»

با تأمل در تفسیر مفهومی ارایه شده از سوی مفسران شیعه و تعمق در مفاد آن و با عنایت به کم توجهی به تفسیر مصداقی در تفاسیر شیعه و اهل سنت، می توان در تفسیر مصداقی گزاره «امر مریج» موارد ذیل را تقریر نمود:

۱. هرگونه شک به حقایق که منجر به ظن و گمان و در نهایت به جزم به خلاف منتهی می شود، در صورتی که روش مند، عالمانه و منطقی با آن رفتار نشود، در قبال تفکر و تدبر نظری، عملی، منطقی و روشمند، از مصادیق امر مریج

شمرده می‌شود. (اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳ - ۱۹۴)

از این رو علی (ع) در روایتی پس از اشاره به «غلو» به عنوان یکی از ریشه‌های چهارگانه کفر، می‌افزاید: «وَالْغُلُوُّ عَلَىٰ أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى التَّعَمُّقِ ۱ بِالرَّأْيِ وَ التَّنَازُعِ فِيهِ وَ الرِّبِّغِ وَ الشَّقَاقِ فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يُبِبْ إِلَى الْحَقِّ وَ لَمْ يَزِدْ إِلَّا غَرَقًا فِي الْعَمْرَاتِ وَ لَمْ تَنْحَسِرْ عَنْهُ فَتَنَةٌ إِلَّا غَشِيَتْهُ أُخْرَى وَ انْحَرَقَ دِينُهُ فَهُوَ يَهُوِي» (امر مریج: (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۹۱) و غلو بر چهار شعبه است: بر تعمق در رأی (و دقت بسیار نمودن). تنازع در رأی. کجی (و اغراق از حق). شقاق (و دشمنی کردن با حق پرستان)، پس هر که بسیار دقت (و خرده بینی) کند بحق نگراید، و جز غرق شدن در امواج خروشان (شبهات و اباطیل) نیفزاید، فتنه از او دور نشود (و گرهی از عقده‌های اعتقادی او باز نشود) جز اینکه فتنه دیگری (و مشکل تازه‌ای) گریبانگیرش شود و پرده دینش (با قیچی فتنه) بدرد، پس در کار درهم و برهمی فرو افتد (و حق و باطل بر او مختلط گرد) « . بدین ترتیب آن حضرت هرگونه خرده گیری به حق، پیگیری اوهام و ستیزه جویی، کج دلی و سرسختی نسبت به آن را بستر گرفتار شدن در امر مریج دانسته اند.

۲. استدلال‌های ناقص و قیاس‌های باطل و فاقد شرایط، استحسانات، انواع مغالطات، اندیشه‌های خرافی، ملاک قرار دادن سلايق شخصی، خضوع مطلق در برابر باورهای عوامانه، تقلید گرایی مطلق در حوزه اندیشه و عمل، پیروی بی قید و شرط از سنت‌های گذشتگان و گرایش مطلق به شبهات نوپدید و ... همگی از مصادیق تفسیر مصداقی امر مریج شمرده می‌شوند. (اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴ تا ۱۹۵)

۳. برخی مفاهیم صلاحیت حمل روشمند بر وجوه متعدد طولی و عرضی را دارند، نه آن که با هر مفهوم باطل، غیر منطقی و ناروایی سازگار باشند. حال گرایش به اندیشه‌ها و رفتارهای ذووجه و چند پهلو که قابلیت تفسیر پذیری متنوع، سیال، متضاد و خود ستیز را دارد، از مصادیق امر مریج است. (همان)

۴. اعتقاد به شکاکیت و نسبییت گرایی در حوزه معرفت شناسی، در برابر امکان ثبات یا تحول پذیری روشمند، در فهم واقعیات طبیعت یا شریعت به نحوی مصداق امر مریج محسوب می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۷ تا ۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۹۶ تا ۱۹۷)

۵. هرگونه حق ستیزی که نتیجه‌اش تعارض، ناسامانی و نابسامانی در روح و اندیشه است از مظاهر امر است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۵۰۲)

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد هندسه هستی را حق تشکیل داده و اضلاع ساختار اصلی آفرینش را حقیقت تامین می‌کند و باطل را در این قلمرو راه نیست و مبطل همواره حیران است و راه به جایی نمی‌برد. از این رو، راز بی نظمی و آشفتگی امور مبتلان الحادی، روگردانی از حق است. همانطور که قرآن می‌فرماید: «فهم فی امر مریج» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۶۵۲)

۶. گرایش به هر گونه اندیشه‌های خود ستیز در حوزه تکوین یا تشریح که دچار تناقض درونی اند، به نوعی امر مریج شمرده می‌شوند (اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۹۶)

۷. هر گونه تفسیر و تاویل به رای از قرآن روایات و عقل، مانند تاویل ناروا و غیر روشمند آیات و روایات متشابه، تفسیر

۱. قابل توجه آن که مرحوم شهیدی در ترجمه خود «التعمق» را به «پی وهم رفتن» و «فمن تعمق ...» را به «پس آن که پی وهم گرفت به حق باز نگشت» معنا کرده است. (ترجمه نهج البلاغه مرحوم شهیدی در ذیل کلمه قصار ۳۱)

ناصحیح از نقش و کارکردهای عقل، در قبال «درک روشمند از قرآن، روایات و عقل» از مصادیق امر مریج است (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷؛ اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲-۱۹۶)

۸. هرگونه تفسیر غیر منطقی و غیر روشمند از واقعیات علمی و هستی‌شناختی، مصداق از امر مریج است، زیرا هرج و مرج در مقابل نظم است و قرآن کریم کسانی را که بین اندیشه، رفتار، کردار و گفتارشان هماهنگی نیست و در برابر «علم» حرکت می‌کنند و به یقین شان التزام ندارند، دچار اختلالات و بی‌نظمی «امر مریج» می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۷۲-۳۷۳)

۹. اندیشه‌ها و رفتارهای برخاسته از «جهل علمی» در مقابل علم و آگاهی یا «جهالت عملی» در قبال عقل و وارستگی نفسانی، که اولی از سنخ عقل نظری و دومی از سنخ عقل عملی است، از مظاهر امر مریج است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۷۶)

۱۰. گرایش به اندیشه‌ها و رفتارهای انحرافی، اختلاطی و التقاطی که مصداق «عضین کردن» حقیقت یعنی پاره پاره کردن حقایق و ایمان و کفر به بعض و کفر به بعض حقایق و واقعیات عینی و علمی است مصداقی از امر مریج محسوب می‌شود (همان، ص ۱۹۳-۱۹۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴)

۱۱. مخالفت با بنای عقلا و سیره متشرعه در فهم طبیعت و شریعت، یکی از مظاهر امر مریج شمرده می‌شود (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰ تا ۱۴۲)

۱۲. «امر مریج» ماهیتی روان‌شناختی، لایه‌مند و ذمراتب دارد و ساحت‌های گوناگونی را به خود می‌پذیرد. توضیح آنکه: ادراکات انسان علی‌رغم توانایی‌های که دارد، از محدودیت‌هایی نیز برخوردار است: سه مرتبه از ادراکات انسان عبارت است از:

الف) ادراک عقلی در قالب استدلال و برهان‌ها

ب) ادراک قلبی در قالب تصدیق و ایمان

ج) ادراک شهودی که از قسم علم حضوری و دیدن و یافتن است و فوق دانستن و علم حصولی است.

آشفستگی نظری و عملی و اندیشه‌های مشوش، مشتبه و حیرت‌زا، به‌ازاء هر سه مرتبه محقق می‌شود. به عبارت دیگر، گاه در قبال ادراک عقلی، گرفتار اندیشه و رفتار غیر علمی و غیر برهانی هستیم؛ و گاه در برابر اذعان قلبی، دچار شک و تردید و تشویش می‌شویم؛ و زمانی در برابر شهود، عرفان و رویت حقیقت، دچار انحراف، التقاط، اختلاط و مغالطات عرفانی می‌شویم

در مقابل، اندیشه‌های صحیح در حوزه تکوین و تشریح به دلیل ابتناء بر مبادی روشمند، منطقی و برهان‌های تام عقلی؛ از ثبات، علمیت، هماهنگی درونی، سازواری با سایر اندیشه‌های هم‌عرض، سازگاری با مفاهیم فطری و وجدانی، روشنگری، آرامش‌زایی، ظرفیت توسعه شخصیت انسانی، تعالی بخشی روحی و کمال نفسانی، تحیر زدایی، باطل‌گریزی و لغو و لهو ستیزی برخوردار است. (جوادی آملی، سایت <http://javadi.asra.ir> مورخ ۹۵/۹/۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۲۰ تا ۲۲۱)

۷. نتیجه‌گیری

- با تأمل در تفسیر مفهومی ارایه شده می توان در تفسیر مصداقی گزاره «امر مریج» موارد ذیل را تقریر نمود:
۱. هرگونه شک به حقایق، ظن و گمان به خلاف و جزم به خلاف، در صورتی که روش مند، عالمانه و منطقی با آن رفتار نشود، در قبال تفکر و تدبر نظری، عملی، منطقی و روشمند
 ۲. استدلال های ناقص و قیاس های باطل و فاقد شرایط، استحسانات، انواع مغالطات، اندیشه های خرافی، ملاک قرار دادن سلاقی شخصی، خضوع مطلق در برابر باورهای عوامانه، تقلید گرایی مطلق در حوزه اندیشه و عمل، پیروی بی قید و شرط از سنت های گذشتگان و گرایش مطلق به شبهات نوپدید و ...
 ۳. گرایش به اندیشه ها و رفتارهای ذوووجه و چند پهلو که قابلیت تفسیر پذیری متنوع، سیال، متضاد و خود ستیز را دارد
 ۴. اعتقاد به شکاکیت و نسبیت گرایی در حوزه معرفت شناسی، در برابر امکان ثبات یا تحول پذیری روشمند، در فهم واقعیات طبیعت یا شریعت
 ۵. هرگونه حق ستیزی که نتیجه اش تعارض، ناسامانی و نابسامانی در روح و اندیشه است.
 ۶. گرایش به هر گونه اندیشه های خود ستیز در حوزه تکوین یا تشریح
 ۷. هر گونه تفسیر و تاویل به رای از قرآن روایات و عقل، مانند تاویل ناروا و غیر روشمند آیات و روایات متشابه، تفسیر ناصحیح از نقش و کارکردهای عقل، در قبال «درک روشمند از قرآن، روایات و عقل»
 ۸. هرگونه تفسیر غیر منطقی و غیر روشمند از واقعیات علمی و هستی شناختی
 ۹. اندیشه ها و رفتارهای برخاسته از «جهل علمی» در مقابل علم و آگاهی یا «جهالت عملی» در قبال عقل و وارستگی نفسانی
 ۱۰. گرایش به اندیشه ها و رفتارهای انحرافی، اختلاطی و التقاطی که مصداق «عضین کردن» حقیقت و ایمان و کفر به بعض و کفر به بعض است
 ۱۱. مخالفت با بنای عقلا و سیره متشرعه در فهم طبیعت و شریعت
 ۱۲. هرگونه آشفتگی نظری و عملی و اندیشه های مشوش، مشتبه و حیرت زا، به ازاء ادراکات سه گانه عقلی، قلبی و شهودی.
- به عبارت دیگر، گاه در قبال ادراک عقلی، گرفتار اندیشه و رفتار غیر علمی و غیر برهانی هستیم؛ و گاه در برابر اذعان قلبی، دچار شک و تردید و تشویش می شویم؛ و زمانی در برابر شهود، عرفان و رویت حقیقت، دچار انحراف، التقاط، اختلاط و مغالطات عرفانی می شویم.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی، ۱۳۸۲
 ۲. ابن شهر آشوب، رشیدالدین ابی عبدالله محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ش

۳. احمد العینی، ابو محمد محمود بن احمد، عمده القاری (شرح صحیح البخاری)، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۵ ق
۴. استرآبادی، علی، *تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العترت الطاهره*، تصحیح استاد ولی حسین، قم، موسسه الانشر الاسلامی، ۱۴۰۹
۵. اصفهانی، سید عبدالله، *تفسیر به رای از دیدگاه مفسران شیعه*، قم، انتشارات علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۹ ش
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق مصطفی دیب البغاء، بیروت، دار ابن کثیر الیمامه، ۱۳۱۷ م
۷. الترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
۸. التهانوی، محمد علی، *کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، لبنان، مطبعه اقدام، ۱۳۱۷ هـ ق
۹. جلالی، سهیلا و عذرا میثاقی، «گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد (ع) در حوزه تبیین مصداق»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال چهارم، شماره دوم، ۱۳۹۰ ش
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *شریعت در آیین معرفت*، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ ش
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، *سرچشمه/ندیشه*، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۲ ش
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش
۱۴. جلالی تهرانی، سید حسام الدین، *فلسفه منطق جامع کنکور*، تهران، انتشارات مهر و ماه، ۱۴۰۱
۱۵. خوانساری محمد، *منطق صوری*، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۴
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، *منطق تفسیر قرآن*، قم، مرکز نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰ ش
۱۷. سلیمی زارع، مصطفی، «جایگاه روایات جبری و تطبیق در فرآیند تفسیر قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال ۱۲، شماره اول، ۱۳۹۴ ش
۱۸. سیوطی، جلال الدین، *تفسیر الدر المنثور فی التاویل بالمأثور*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق
۱۹. شریعت مداری، جعفر، *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *امالی طوسی*، قم، انتشارات اندیشه هادی، چاپ اول، ۱۳۸۸
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *تفسیر تبیان*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ یک، بی تا
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التوحید*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ ق
۲۳. شیخ طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش
۲۴. صفری، کوروش، *درآمدی بر معنا شناسی*، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ ش
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، انتشارات محمدی، ۱۳۵۹ ش

۲۶. طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ ۳، ۱۳۷۳ ش
۲۸. العماری، علی محمد حسن، قضیه اللفظ والمعنی، قاهره، مکتب وهبه، ۱۴۲۰ ق
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق
۳۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش
۳۱. قرشی، سید علی اکبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تصحیح سید طیب جزایری، موسسه دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش
۳۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقاء، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، شناخت نامه قرآن، قم، موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۱ ش
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق
۳۷. مسلم، ابوالحسن بن الحجاج القشیری النیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الجیل و دار الافاق الجدیده، بی تا
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش
۳۹. محمد مخلوف، حسین، تفسیر کلمات قرآن، ترجمه حسین علی انصاریان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش
۴۰. نائینی، محمد حسین، اجود/التقریرات، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۶۸ ش
۴۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶